



mtarbiat.ir

مبانی تربیت و رشد اسلامی

مستندات جلسه هفتاد و یکم

موضوع:

سبک زندگی از دیدگاه مقام معظم رهبری
و نسبت آن با دوره تربیت و رشد اسلامی (۱)

بیست و هفتم بهمن ماه ۱۴۰۳

بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

بیانیه گام دوم و سبک زندگی

گام دوم و سرفصلها و توصیه‌های اساسی در پرتو امید و نگاه
خوش‌بینانه به آینده

یک) علم و پژوهش

دو) معنویت و اخلاق

سه) اقتصاد

چهار) عدالت و مبارزه با فساد

پنج) استقلال و آزادی

شش) عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن

هفت) سبک زندگی

سخن لازم در این باره بسیار است. آن را به فرصتی دیگر وامیگذارم
و به همین جمله اکتفا میکنم که تلاش غرب در ترویج سبک زندگی
غربی در ایران، زیانهای بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی
به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و
هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوانها است.

قدرت ملی و سبک زندگی

در جمع اعضای مجلس خبرگان؛ ۱۴۰۰/۱۲/۱۹

قدرت ملی که می‌گوییم یک امر مرکب است، یک مجموعه است؛ یک مجموعه‌ی به‌هم‌پیوسته است. قدرت ملی را در یک نقطه‌ی خاصی، در یک جریان و حرکت خاصی نباید دید، [بلکه] یک امری است که مجموعه‌ای از عناصر وجود دارد که اگر اینها جمع شد، قدرت ملی به وجود می‌آید که حالا من چند مورد از اینها را ذکر می‌کنم.

یک رکن قدرت ملی، علم و فناوری است؛ یعنی یک بخشی از این [قدرت] علم و فناوری است.

یک رکن، فکر و اندیشه‌ورزی است. دارای فکر بودن فرق میکند با دارای علم بودن؛ باید فکر باشد. این آزادفکری که ما شعارش را می‌دهیم و هر کس شعارش را بدهد ما قبول می‌کنیم، اثرش همین پیشرفت فکری است؛ یعنی اگر پیشرفت فکری نباشد، علم و مانند اینها هم اگر گیر یک ملّتی بیاید، به دردش نخواهد خورد؛ فکر باید کار کند، حرکت کند و پیشرفت داشته باشد در مجموع ملّت، که این هم جز با آزادی فکر اصلاً امکان‌پذیر نیست؛ یعنی بدون آزادی فکری، پیشرفت فکری امکان‌پذیر نیست.

یک عنصر دیگر، امنیت و قدرت دفاعی است؛ یک ملّت بتواند خاطر جمع باشد که در مواقع اضطرار میتواند از خودش دفاع کند.

یک بخش دیگر، مسئله‌ی اقتصاد و رفاه عمومی است؛ این هم بسیار مؤثر است که مردم از لحاظ معیشت دچار آسایش خاطر باشند.

یک رکن دیگر، سیاست و قدرت چانه‌زنی سیاسی و دیپلماسی است؛ این هم یک بخشی از قدرت ملی است که یک کشوری و یک ملّتی برگزیدگان و خبرگانی داشته باشد که در میدانهای سیاست و

دیپلماسی بتوانند چانه‌زنی کنند، مذاکره کنند، منافع ملت را تثبیت کنند و به دست بیاورند.

یک رکن دیگر، فرهنگ و سبک زندگی است؛ این هم یک رکن قدرت است. اگر چنانچه [یک ملت] از لحاظ سبک زندگی، تابع و اسیر دیگران و تابع بدون رأی و نظر دیگران باشند و فرهنگ مستقر خودشان را نداشته باشند، طبعاً این ضعف شدیدی در قدرت ملی است.

سبک زندگی سلاح مؤثر تبیین

در جمع اعضای مجلس خبرگان؛ ۱۴۰۰/۱۲/۱۹

در جنگ‌های سخت با سلاح‌های قدیمی دیگر نمیشود جنگید. امروز با شمشیر و با نیزه و با این چیزها، نمیشود به جنگ توپ و موشک و مانند اینها رفت. در جهاد تبیین هم همین جور است؛ با شیوه‌های قدیمی [نمیشود کار کرد]. البته بعضی از شیوه‌های قدیمی جایگزین ندارد، مثل منبر، مثل مداحی؛ اینها قدیمی است اما اینها جایگزین ندارد؛ اینها همچنان اثرگذار است و هیچ چیز دیگری جای اینها را نمیگیرد، لکن از لحاظ ابزارهای گوناگون بایستی به‌روز حرکت کرد.

البته ما امروز در این زمینه، سلاح‌های سخت‌افزاری مان خوب است؛ یعنی بخش فضای مجازی و امثال اینها بالاخره فعالاند و کار میکنند و اگر چه فضای مجازی مشکلاتی دارد که ان شاء الله جناب آقای رئیسی و دوستانشان باید همت کنند و هر چه زودتر باید این مشکلات برطرف بشود؛ لکن به هر حال در دسترس است؛ کارهایی که بایستی انجام بگیرد، از لحاظ سخت‌افزاری در دسترس است؛ مهم بخش نرم‌افزاری قضیه است. سلاح تبیین یک بخش نرم‌افزاری مهمی

دارد؛ در اینجا بایستی نوآوری صورت بگیرد، بایستی سخن نو گفته بشود و شیوه‌ی نو در بیان ذکر بشود.

و به نظر من امروز آن چیزی که میتواند به بهترین وجهی به صورت یک سلاح مؤثری عمل کند، تبیین مفاهیم عالی اسلامی است در زمینه‌های مختلف.

ما در زمینه‌ی مسائل معرفتی، مسائل معارفی، حرفهای نگفته زیاد داریم؛ حرفهای قابل گفتنی که برای دنیا جذاب و شیرین است، زیاد داریم. در زمینه‌ی مسائل مربوط به سبک زندگی اسلامی، ما خیلی حرف نگفته داریم. فرض کنید حالا یک قلم، بحث محیط زیست است، یک قلم بحث معامله‌ی با حیوانات است، یک قلم بحث خانواده است؛ اینها سبک زندگی است دیگر. در همه‌ی اینها اسلام حرفهای جذاب دارد؛ معارف اسلامی‌ای که اینها را میشود از درون متون اسلامی تخلیص کرد و تجرید کرد و در اختیار همه گذاشت.

مفهوم پیشرفت در منطق اسلامی

در جمع مردم خراسان شمالی؛ ۱۳۹۱/۷/۱۹

اگر بخواهیم هدفهای ملت ایران را در یک مفهوم خلاصه کنیم که بتواند تا حدود زیادی خواسته‌های عمومی کشور و ملت را بیان کند و آن را در بر بگیرد، آن مفهوم کلیدی عبارت است از پیشرفت؛ منتها با تعریفی که اسلام برای پیشرفت میکند.

پیشرفت در منطق اسلام، متفاوت است با پیشرفت در منطق تمدن مادی غرب. آنها یک بُعدی میبینند، آنها با یک جهت - جهت مادی - به پیشرفت نگاه میکنند. پیشرفت در نظر آنها، در درجه‌ی اول و به عنوان مهمترین، عبارت است از پیشرفت در ثروت و

پیشرفت در علم و پیشرفت نظامی و پیشرفت فناوری. پیشرفت در منطق غربی اینهاست؛ اما در منطق اسلامی، پیشرفت ابعاد بیشتری دارد: پیشرفت در علم، پیشرفت در اخلاق، پیشرفت در عدالت، پیشرفت در رفاه عمومی، پیشرفت در اقتصاد، پیشرفت در عزت و اعتبار بین‌المللی، پیشرفت در استقلال سیاسی - اینها همه در مفهوم پیشرفت، در اسلام گنجانده شده است - پیشرفت در عبودیت و تقرب به خدای متعال؛ یعنی جنبه‌ی معنوی، جنبه‌ی الهی؛ این هم جزو پیشرفتی است که در اسلام هست و در انقلاب ما هدف نهائی ماست: تقرب به خدا. هم «دنیا» در این پیشرفتی که مورد نظر است، ملحوظ شده است، هم «آخرت».

عرصه‌های پیشرفت

نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی؛ ۱۳۸۹/۹/۱۰

یک. فکر

در درجه‌ی اول، پیشرفت در عرصه‌ی فکر است. ما بایستی جامعه را به سمت یک جامعه‌ی متفکر حرکت دهیم؛ این هم درس قرآنی است. شما ببینید در قرآن چقدر «لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»، «لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»، «أَفَلَا يَعْقِلُونَ»، «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ» داریم. ما باید جوشیدن فکر و اندیشه‌ورزی را در جامعه‌ی خودمان به یک حقیقت نمایان و واضح تبدیل کنیم.

البته این از مجموعه‌ی نخبگان شروع خواهد شد، بعد سرریز خواهد شد به آحاد مردم. البته این راهبردهایی دارد، الزاماتی دارد. ابزار کار، آموزش و پرورش و رسانه‌ها است؛ که باید در برنامه‌ریزی‌ها اینها همه لحاظ شود و بیاید.

دو. علم

عرصه‌ی دوّم - که اهمّیتش کمتر از عرصه‌ی اوّل است - عرصه‌ی علم است. در علم باید ما پیشرفت کنیم. البتّه علم هم خود، محصول فکر است. در همین زمان کنونی، در حرکت به سمت پیشرفت فکری، هیچ نبایستی توانی و کوتاهی و کاهلی به وجود بیاید. خوشبختانه چند سالی است که این حرکت در کشور شروع شده؛ نوآوری علمی و حرکت علمی و به سمت استقلال علمی حرکت کردن. علم هم این جوری است دیگر؛ بلافاصله در قالب فناوری‌ها و اینها خودش را نشان میدهد. در موارد زیادی، محصول حرکت علمی هم مثل این مسئله‌ی مورد بحث ما از چیزهای بلندمدّت نیست؛ نزدیک‌تر و ثمره‌ی آن دم‌دست‌تر است. کار علمی را بایستی عمیق و بنیانی انجام داد. این هم یک عرصه‌ی پیشرفت است.

سه. زندگی

عرصه‌ی سوّم، عرصه‌ی زندگی است، که قبلاً عرض کردیم. همه‌ی چیزهایی که در زندگی یک جامعه به عنوان مسائل اساسی و خطوط اساسی مطرح است، در همین عنوان «عرصه‌ی زندگی» می‌گنجد؛ مثل امنیت، مثل عدالت، مثل رفاه، مثل استقلال، مثل عزّت ملی، مثل آزادی، مثل تعاون، مثل حکومت. اینها همه زمینه‌های پیشرفت است، که باید به اینها پرداخته شود.

چهار. معنویت

عرصه‌ی چهارم - که از همه‌ی اینها مهم‌تر است و روح همه‌ی اینها است - پیشرفت در عرصه‌ی معنویت است. ما بایستی این الگو را جوری تنظیم کنیم که نتیجه‌ی آن این باشد که جامعه‌ی ایرانی ما به سمت معنویتِ بیشتر پیش برود. البتّه این در جای خود برای ما

روشن است، شاید برای خیلی از حضّار محترم هم روشن است؛ اما باید برای همه روشن شود که معنویّت نه با علم، نه با سیاست، نه با آزادی، نه با عرصه‌های دیگر، هیچ منافاتی ندارد؛ بلکه معنویّت روح همه‌ی اینها است. میتوان با معنویّت، قلّه‌های علم را صاحب شد و فتح کرد؛ یعنی معنویّت هم وجود داشته باشد، علم هم وجود داشته باشد. دنیا در آن صورت، دنیای انسانی خواهد شد؛ دنیایی خواهد شد که شایسته‌ی زندگی انسان است. دنیای امروز، دنیای جنگلی است. دنیایی که در آن علم همراه باشد با معنویّت، تمدّن همراه باشد با معنویّت، ثروت همراه باشد با معنویّت، این دنیا دنیای انسانی خواهد بود.

البته نمونه‌ی کامل این دنیا در دوران ظهور حضرت بقیّة‌الله (ارواحنا فداه) اتفاق خواهد افتاد و از آنجا -من این را اینجا عرض بکنم- دنیا شروع خواهد شد.

ما امروز در زمینه‌های مقدّماتی عالم انسانی داریم حرکت میکنیم. ما مثل کسانی هستیم که در پیچ‌وخم‌های کوه‌ها و تپه‌ها و راه‌های دشوار داریم حرکت میکنیم تا به بزرگراه برسیم. وقتی به بزرگراه رسیدیم، تازه هنگام حرکت به سمت اهداف والا است.

بشریّت در طول این چند هزار سال عمر خود، دارد از این کوره‌راه‌ها حرکت میکند تا به بزرگراه برسد. وقتی به بزرگراه رسید -که آن، دوران ظهور حضرت بقیّة‌الله است- آنجا حرکت اصلی انسان آغاز خواهد شد؛ حرکت سریع انسان آغاز خواهد شد؛ حرکت موقّق و بی‌زحمت انسان آغاز خواهد شد. زحمت فقط عبارت است از همین که انسان در این راه حرکت کند و برود؛ دیگر حیرتی در آنجا وجود نخواهد داشت.

مسائل محتوای اسلامی پیشرفت

نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی؛ ۱۳۸۹/۹/۱۰

یک. توحید

اولین مسئله‌ای که باید در نظر گرفته شود، مسئله‌ی مبدأ است، مسئله‌ی توحید است؛ «إِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره/۱۵۶) مهم‌ترین مشکل دنیایی که امروز رنگین‌ترینش در غرب متجلی است و به آن داریم اشاره می‌کنیم، جدایی از خدا و اعتقاد به خدا و التزام به اعتقاد به خدا است.

البته شاید اعتقاد ظاهری و صوری و اینها وجود دارد، لیکن به اعتقاد به خدا التزام نیست. اگر مسئله‌ی مبدأ حل شد، بسیاری از مسائل حل خواهد شد. «يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ»، (حشر/۲۴) «وَلِلّٰهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ كَانَ اللّٰهُ عَزِيزًا حَكِيمًا». (فتح/۷)

وقتی انسان به این مسئله معتقد شد، این عزّت الهی، این توحیدی که این معنا را به ما نشان می‌دهد، یک نیروی عظیم و تمام‌نشدنی را در اختیار بشر می‌گذارد.

«هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ». (حشر/۲۳) وقتی انسان این جور توحیدی را معتقد بود، وقتی توانستیم این اعتقاد را در بدنه‌ی زندگی خودمان بسط دهیم، این مشکل اساسی بشریت را حل خواهد کرد.

دو. معاد

مسئله‌ی دومی که مسئله‌ی اساسی است، قضیه‌ی معاد، قضیه‌ی

محاسبه، قضیه‌ی تمام نشدن قضایا با زوال جسم - با مرگ - است؛ این خیلی مسئله‌ی مهمی است؛ اینکه حساب و کتابی در کار است؛ «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ»، ملّتی که این اعتقاد را داشته باشد و در برنامه‌ی عملی‌اش این معنا باشد که «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ. وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ»، (زلزله/ ۷-۸) در زندگی‌اش تحوّل اساسی به وجود خواهد آمد.

اعتقاد به امتدادِ نتایج عمل، ایثار و جهاد را معنا میبخشد و منطقی میکند. یکی از ابزارهای مهمّ ادیان - که در اسلام به طور واضحی وجود دارد- مسئله‌ی جهاد است. جهاد باید همراه با ایثار باشد؛ وَالْأَجْهَادُ نَخَوْدُ شَد.

ایثار یعنی ازخودگذشتگی. در منطق عقل ابزاری، ازخودگذشتگی یک امر بی‌منطقی است. خب، چرا من از خودم بگذرم؟ این اعتقاد به معاد است که این را منطقی میکند، عقلانی میکند. وقتی ما معتقدیم که هیچ عملی از بین نخواهد رفت و همه‌ی اعمال محفوظ است و ما در آن زندگی واقعی - که حَيَوَان واقعی و زندگی واقعی است؛ «إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَيَوَان» (عنکبوت/ ۶۴) - این اعمال را در مقابل چشمان خواهیم دید، آن وقت اینجا اگر برای تکلیف، برای وظیفه یک چیزی را از دست دادیم، احساس خسارت نمیکنیم؛ ولو آن چیز جانمان باشد، ولو آن چیز عزیزان و فرزندانمان باشد.

مدرسه تربیت و رشد اسلامی

mtarbiat.ir